ایران
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۹ | اذان مغرب ۲۰/۱۴ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۳

سخن روز

امام‌علی علیه‌السلام:
در هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها کینه‌ها از بین می‌رود.
تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۱۰۲، ح ۱۷۸۵

سید عباس صالحی: شهدای مدافع حرم در بین شهدا ویژگی خاصی دارند

شهدای مدافع حرم در بین شهدای تاریخ انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاص خود را دارند، از یکسو شهادت آنها در غربت رقم خورد و از سوی دیگر به دور از هرگونه جو اجتماعی وارد عرصه جهاد شدند. اگر مدافعان حرم نبودند جریان تند تکفیری مسیری را طی می‌کرد که معلوم نبود علاوه بر سوریه به حرم‌های دیگر نیز بروند. شهید محسن حججی این افتخار را داشت که نماد شهدای مدافع حرم شود، اینکه فردی این فضا را پیدا می‌کند که نماد جمعی از شهدا شود قطعاً رازی در آن وجود دارد و این به مثابه این است که در زندگی شخصی ایشان اتفاقاتی رقم خورده است که وی در چنین نقطه نمادینی قرار می‌گیرد.

بخشی از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارتباط تصویری با خانواده شهید محسن حججی/ ایرنا

گلوگاه های قاچاق فیلم را کور کنیم

یادداشت

سید جمال ساداتیان
تهیه‌کننده‌سینما

چند سالی است که بحث قاچاق آثار سینمایی به شکل جدی مطرح است ،اما همچنان سینمای ایران از سازوکار مناسب برای پیشگیری و برخورد با این اتفاق محروم است؛ در دوره‌ای آثار سینمایی کشورمان از روی پرده سینما، با کیفیت پایین ضبط و در شبکه قاچاق توزیع می‌شد، اما امروز با دیجیتالی شدن سیستم پخش و دسترسی راحت‌تر به فایل فیلم‌ها، ضعف کیفی آثار هم در شبکه‌های قاچاق برطرف شده است. در عین حال باوجود شکل‌گیری ستاد صیانت کماکان فعالیت این شبکه‌های غیرقانونی ادامه دارد. علت این اتفاق به اعتقاد من در درجه اول به ناکافی بودن برخوردهای قضایی و ضعف قانونی در برخورد با خاطیان برمی‌گردد. در این موضوع، قانون مدون قاطعی در برخورد با کسانی که فیلم‌ها را قاچاق می‌کنند نداریم. قاچاقچیان فیلم با وجود لطمه بزرگی که به صاحبان آثار سینمایی وارد می‌کنند با برخورد قاطع و سختگیرانه مواجه نیستند. به‌همین دلیل احساس خطر نمی‌کنند و چون خودشان را در جای امن احساس می‌کنند به کارشان ادامه می‌دهند. نکته مهم دیگر این است که ستاد صیانت هم برخوردش عِلّی نیست و معلولی است. نهایت اینکه فیلم قاچاق را از مراکز توزیع جمع‌آوری می‌کنند و خاطیان هم چند وقت بعد آزاد می‌شوند.

با شیوع کرونا و اوج گرفتن فعالیت بازار vod بار دیگر آسیب قاچاق فیلم به صنعت سینما به شکلی جدی تر مطرح شد. همان‌طور که شاهد بودیم در کمتر از دو ساعت از آغاز اکران آنلاین یا نمایش در پلتفرم‌ها، فیلم‌ها در شبکه قاچاق در دسترس قرار گرفتند، اگر چه پلیس فتا فعالانه با سایت‌های داخلی برخورد کرد اما مشکل اساسی ما شبکه‌های ماهواره‌ای و فضاهای اجتماعی فیلتر شده است که راه برخورد با آنها بسته است؛ دو راه حلی که فعلاً برای برخورد با این معضل وجود دارد اول فرهنگسازی و دوم ثبت قانونی فیلم در شرکت‌های خارجی است. در ابتدا باید به‌عنوان مخاطب یا علاقه‌مند سینما به لحاظ فرهنگی خودمان را قانع کنیم که اگر مرتب نسخه قاچاق فیلم‌ها را ببینیم قطع‌کننده زنجیره بازگشت سرمایه به تهیه‌کننده فیلم خواهیم بود و بالطبع او را از گردونه تولید خارج خواهیم کرد و به مرور باعث حذف همین فیلم‌های مورد علاقه‌مان از سینما خواهیم شد. این مهم بر عهده متولیان سینمایی است که فیلم‌ها را تبلیغ و مردم را تشویق کنند که نسخه قانونی آثار را ببینند تا سینمایی که نسبت به دیگر تفریحات فرهنگی ارزانتر هم هست بتواند نفس بکشد. همان‌طور که در داخل کشور با ضعف قانون مواجه هستیم و برخورد جدی با خاطیان صورت نمی‌گیرد، در خارج از کشور وضعیت بدتر است. انتظار می‌رود معاونت سینمایی که وظیفه‌اش صیانت از سینمای ملی است سازوکاری ایجاد کند تا بتوانیم تمام تولیدات داخلی چه سینمایی و چه شبکه نمایش خانگی را تحت یک سازمان مستقل در خارج از کشور ثبت قانونی کنیم. در این صورت پیگیری قانونی راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از زمانی خواهد بود که صاحب هر فیلم شخصاً برای این امر اقدام کند. به این ترتیب شبکه‌های ماهواره‌ای خود را مواجه با برخورد جدی قانونی می‌بینند و براحتی سرمایه سینمای ایران را به تاراج نمی‌برند؛ لابد به این موضوع آگاه هستند که بخش زیادی از مخاطبانشان را از نمایش آثار سینمای ایران دارند و به‌همین خاطر مجبورند برای حفظ آن هزینه کنند و حقوق صاحبان آثار را بپردازند.

نـــگاره
سهیل محمدی

استفاده از ماسک، مانع سقوط به پرتگاه کرونا

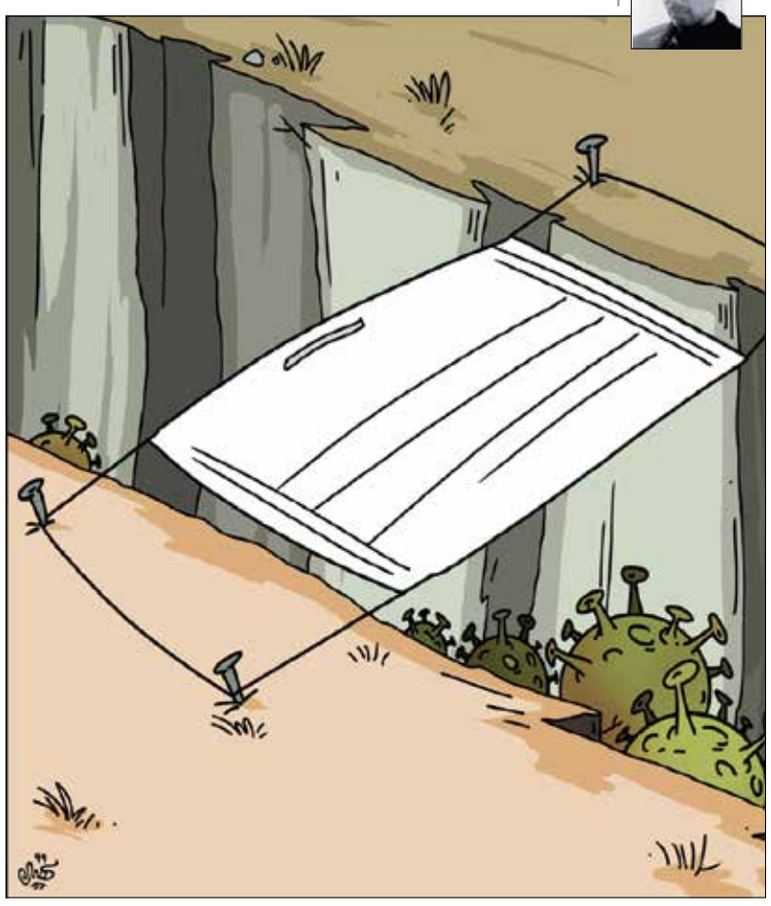

از رنگ درمانی تا کاربرد در تصویر (۱۱)

هنر و روان

آرام مرتضوی
پژوهشگر و روان‌درمانگر تحلیلی

به خاطر داشته باشید پس از بررسی ساز و کار مغز و تأثیر هنر بر روان تلاش گردید نحوه عملکرد و چگونگی اثرگذاری تصویر بر سیستم روانشناختی انسان بررسی شود از این روی ابتدا به فاکتورهای سازنده تصویر پرداخته شد، در این مسیر به بافت، زمینه و اثر پرسپکتیو بر سیستم بینایی پرداختیم و پس از آن ساز و کار رنگ بینی توصیف شد اکنون پس از تحلیل رنگ قرمز قصد بر این است به طیفی از رنگ‌ها بپردازیم که هویت از قرمز می‌پذیرند ولی به پر قدرتی رنگ قرمز بر سیستم روان انسان اثر نمی‌گذارند. نارنجی پس از قرمز در طیف رنگ‌ها ظاهر می‌شود این رنگ رنگی گرم است اما پر شور و پر حرارت مثل قرمز بر روان انسان پرتوافکن نیست. رنگ درمانگران اعتقاد بر این دارند که رنگ نارنجی به انرژی زنانه مربوط است از این‌رو شاید بتوان گفت نارنجی رنگ سرور و شادی است گمان بر این است که بین جنبه‌های جنسی و ذهنی ما موازنه بر قرار می‌کند. ویلز اعتقاد داشت رنگ نارنجی به افکار و احساسات آزادی می‌بخشد و ملالت و افسردگی را دور می‌کند. اگر مطلبی را که در رابطه برون‌ریزی هیجانی در یک جلسه درمان با رنگ قرمز نوشته شده بود، مطالعه کرده باشید در آنجا اشاره کردم که در مشاهده‌ای بالینی وقتی فرد به سمت اواخر تخلیه هیجانی می‌رود خطوط از رنگ قرمز به سمت رنگ نارنجی تغییر رنگ می‌دهد. شاید بتوان پیش‌بینی کرد که اگر فرد را چند روز بعد در موقعیت تخلیه هیجانی قرار دهیم دیگر از رنگ قرمز برای شروع استفاده نکند. رنگ مهم دیگر رنگ طلایی است این رنگ از آمیختن نارنجی و زرد به وجود می‌آید و رنگی است که به‌صورت طبیعی نشانه جلال و شکوه قدرت ماورایی است که در متون باستانی نشانه الوهیتی خالص است، این رنگ گرم و درخشان است و با عرفان، تقدیس و الوهیت پیوند دارد شاید بتوان در نظر گرفت این رنگ مظهر روح همگانی است که در کمال خلوص نمایان می‌شود. ویلز در کتاب خود اشاره می‌کند: در پزشکی غرب، طلا مدت‌های مدید برای التیام درد آرتروزی مفاصل و نیز مشکلات ستون فقرات و درمان سل، به شکل ترکیبی، تزریقی یا قرص تجویز می‌شد. در هومیوپتی، برای درمان افسردگی به کار می‌رود. پزشکی آنترو پاسیفیک ادعا می‌کند که رنگ طلایی گردش خون را بهبود می‌بخشد، گرمای بدن را افزایش می‌دهد و همچنین می‌تواند برای مداوای بیماران جلدی مرهم باشد. پیش‌بینی می‌شود دیدن این رنگ بتواند اثری تحریکی بر سیستم روانی فرد داشته باشد. در ادبیات برای توصیف درخشندگی و اثر بخشی نور خورشید از توصیف طلایی استفاده می‌شود این رنگ را در ظهر تابستان به هنگام گذر از یک گندم‌زار تصور کنید، چه احساسی در شما پدید می‌آید؟ شاید کمی بوی عشق را در این منظره استشمام کنید. به نظر می‌رسد این اثری است که این رنگ بر سیستم روانشناختی ما می‌تواند بگذارد، تجربه شکوه و جلال یک عاشقانگی. در مکان‌های مذهبی مثل کلیساها مساجد و... نیز از این رنگ استفاده‌های زیادی شده است، کاربرد این رنگ از سال ۱۳۰۰ به بعد بیشتر دیده شده است و شاید اوج آن را بتوان به سال‌های قدرت‌گیری سبک باروک در اروپا نسبت داد.

مقاله‌ای که طومار شاه را درهم پیچید

چی بخوانیم

سید فرید قاسمی روزنامه نگاری که پژوهش‌هایش در حوزه تاریخ مطبوعات شناخته می‌شود این دفعه و در کتاب «اخگر انفجار؛ پیش زمینه و پی آمد مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه» به بررسی مدارک تاریخی زمان طاغوت پرداخته است.

نامه‌های ساواک و نقل قول‌های مقامات دولتی پهلوی درباره انتشار مقاله‌ای به نام «ایران و استعمار سرخ و سیاه» که سال ۵۶ به دستور محمدرضا پهلوی نوشته و در روزنامه اطلاعات منتشر شد. مقاله‌ای که با پیگیری‌های امیرعباس هویدا نخست‌وزیر آن روزگار محمدرضا پهلوی نوشته شد و گفته می‌شود علی شعبانی نویسنده آن بود، هرچند که همچنان درباره این مسأله تردیدهای زیادی وجود دارد.

این مقاله که ادبیاتی هتاکانه نسبت به امام خمینی(ره) داشت یکی از عوامل مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شد، البته قاسمی در این کتاب تنها به این مقاله نمی‌پردازد و مجموعه‌ای از نوشته‌های تحمیلی آن روزگار در مطبوعات را بررسی می‌کند.

به بهانه بررسی این مدارک رویکرد تحمیلی به رسانه‌ها را محکوم و انتشار مقالات تحمیلی به مطبوعات وقت را به‌عنوان یک رویه اشتباه و غیرحرفه‌ای نقد می‌کند.

قاسمی در مقدمه کتاب نوشته است: «آنچه پیش رو دارید درباره نمونه‌ای است از یک مانور ناشیانه که «آغاز شمارش معکوس» شماری قدرت مدار را رقم زده است.

کسانی که حرف روزنامه نگارها را برای عدم چاپ نوشته‌های هتاکانه نشنیدند و ۴۰۰ روز بعد طومارشان درهم پیچید. با مجموعه حاضر درخواهید یافت که ماجرا به یک تک مقاله ختم نمی‌شود.

در آن روزها زنجیره‌ای از نگارش‌ها را به روزنامه‌ها تحمیل کرده‌اند و باوجود ایستادگی شماری از مطبوعاتی‌ها به چاپ سپردند. از این‌رو کتاب مقابل شما نقیض/ بازگونه روایت‌هایی است که تاکنون انتشار داده‌اند.»

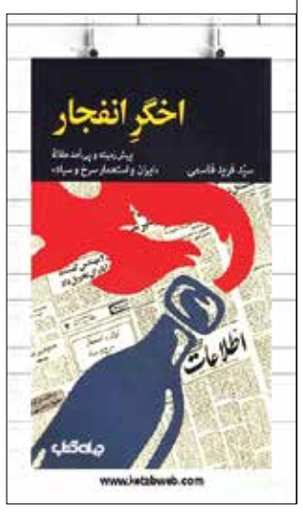

■ **اخگر انفجار؛ پیش زمینه و پی آمد مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه**
■ **نویسنده: سید فرید قاسمی**
■ **نشر: جهان**
■ **قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان**

#آزار

هشتگ

چند روزی است که در توئیتر بحث آزار راه افتاده و کاربرانی سعی می‌کنند درباره اثرات منفی آزار در زندگی افراد بنویسند. بسیاری از آنها آموزش و سکوت نکردن را مهمترین راهکار مقابله با این پدیده می‌دانند که ممکن است در هر محیطی اتفاق بیفتد. از مدرسه تا محل کار: «دفاع از آزارگر کمی از آزار نداره»، «در واقع سؤال اصلی من اینه که دقیقاً از کی سکوت کردن در برابر ظلم و بی‌اخلاقی رویاد گرفتیم؟»، «توی این سال‌ها هر از گاهی که این اتفاقات برملا شده و افشاگری شده، خیلی وقت‌ها آدم متجاوز رو با واسطه و بی‌واسطه می‌شناختم و وقتی از کسایی که می‌تونستن علیه‌اش شهادت بدن، سؤال کردم چرا ساکت هستن اغلب رفاقت و آشنایی رو بهونه کردن و ترجیح دادن سکوت کنن.»، «قبلاً هم نوشتم، ضرب‌المثل «کرم از خود درخته» به نظرم یکی از بدترین ضرب‌المثل‌های زبان فارسیه. وقتی جای قربانی و متهم رو عوض می‌کنیم. به جای اینکه به قربانی پناه بدیم و انگشت اتهام رو به سمت متجاوز بگیریم، رفتار، گفتار، ظاهر و غیره قربانی رو، عامل تجاوز بدونیم.»، «این روایت‌ها از آزار می‌تونه به مرور هزینه آزار رو اونقدر بالا ببره که جامعه روجای بهتری کنه. دم راوی‌ها گرم که این فداکاری رو دارند می‌کنند.»، «کسایی که مورد آزار قرار گرفتید اصلاً حس نکنید این مسأله چیزیه که باید ازش خجالت بکشید و به خاطر همین سکوت کنید. ما درکتون می‌کنیم و اونقدر این اتفاق ناراحت کننده هست که ذره‌ای خود شمارو مقصر ندونیم»، «به نظر من توی تجاوز، قربانی تحت هر شرایطی بی‌تقصیره بجز یک مورد و اونم سکوته. سکوت و آبروداری(!) در واقع همکاری با متجاوز برای جنایت‌های بعدیشه. یا شکایت کنید یا حداقل به بقیه بگید.»، «اگه با کسی که حس ترس آزار رو تجربه کرده و نه حتی خودش رو، سال‌ها بعد از ماجرا صحبت کنید، می‌تونید هنوز نفرت و درد رو ببینید تو وجودش. اگه این کارو خانواده و دوستاتون کردن سکوت نکنید در برابرش. آزار از اونچه تو توئیت‌ها می‌بینید به شما نزدیک‌تر و کشنده‌تره.»، «با ظلم مخالفم و طرف قربانی می‌ایستم. چه زنی که مورد خشونت قرار گرفته باشه، چه مردی که به دروغ بهش اتهام زده شده. جلو چشمام رو بخار بغض و حبّ و جنیست، نگرفته. ظلم رو تقویت نکنید. با سکوت، با ساکت کردن و یا با دروغ گفتن درباره‌اش که تقویت ظلمه. چون دیگه کسی حرف قربانی رو باور نمی‌کنه»، «چقدر جای کارگاه‌های آموزشی درباره راهکارهای مقابله با آزار و اذیت و متلک خیابانی یا آزارهای جنسی در محل کار، خالیه.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

معاون یا رئیس جمهوری؟

ماجرا

جو بایدن نامزد انتخابات امریکا و رقیب ترامپ کاملا هریس را به عنوان معاون معرفی کرد. انتخابی که بحث برانگیز شده است. چون از طرفی او اولین زنی است که به عنوان معاون رئیس جمهوری انتخاب می‌شود و از طرف دیگر رنگین پوست است. ضمن اینکه گفته می‌شود با شرایط سنی و جسمی بایدن اگر او رأی بیاورد هریس در واقع رئیس جمهوری امریکا می‌شود. با اعلام این خبر کاربران ایرانی هم درباره‌اش نوشتند و شرایط و آینده انتخابات امریکا را بررسی کردند: «انتخاب کاملا هریس خیلی چیزها رو در انتخابات امریکا تغییر می‌ده. کار برای ترامپ سخت خواهد بود.»، «کاملا هریس به عنوان معاون اول جو بایدن انتخاب شد، انتخابی که از مدت‌ها پیش قابل پیش‌بینی بود. دو گزینه محتمل دیگر الیزابت وارن و سوزان رایس بودند. اولی می‌توانست آرای بایدن را در ۳ ایالت مهم WI، MI، PA افزایش دهد. اما به نظر می‌رسد در حال حاضر تکلیف این ۳ ایالت مشخص است.»، «کاملا هریس یک زن سیاهپوست است که مواضع ضد ترامپ او باعث شده بین دموکرات‌ها جلب توجه کند اما مواضع سیاسیش: مخالف جنگ با ایران، مخالف تحریم‌ها، طرفدار سرسخت توافق با ایران و منتقد شدید ترور قاسم سلیمانی»، «من اطلاعات سیاسی ندارم اما امروز که جو بایدن، کاملا هریس رو به عنوان «نخستین زن سیاهپوست معاون رئیس جمهوری» انتخاب کرد، ماجرای لغو برده‌داری سیاهپوستان در ایالات متحده به ذهنم اومد؛ لینکلن رئیس جمهوری جمهوریخواه این درخواست رو داشت و دموکرات‌ها می‌گفتن با طبیعت و خدا ناسازگاره»، «بابا این ترامپیست‌ها خیلی بامزه‌ان شروع کردن به چرند پرندگویی درمورد کاملا هریس.

طرف از بدی‌های هریس نوشته و گفته که هریس گفته با ایران مذاکره خواهد کرد. حالا ولی نمی‌گن که همین چند روز پیش ترامپ گفت اگه دوباره برنده بشه ظرف ۴ هفته با ایران به توافق می‌رسه»، «اقدام تاریخی جو بایدن در انتخاب کاملا هریس رنگین‌پوست، احتمالاً عنوان معاون رئیس جمهوری ظاهراً سیاهپوست را به واژگان صدا و سیما اضافه می‌کند. شاید هم سیاهپوست‌نما»، «دموکرات‌ها بزرگترین برده‌داران امریکا بوده و هستند. جورج واشنگتن جمهوریخواه برای لغو بردگی، جانش را برای میهنش داد. حالا فرقه دموکرات پر شده از کسانی که ژست حقوق بشری می‌گیرند. جو بایدن خواب آلود، کاملا هریس که یکی از دشمنان ترامپ است به عنوان معاون خود برگزید.»، «۲۰ درصد مردم امریکا اسم هریس رو هم نشنیدند؛ ۳۴ درصد نظر خوبی بهش ندارند و فقط ۳۲ درصد نظر مثبت دارند بهش! این انتخاب هیچ رأی بیشتری برای بایدن به ارمغان نخواهد آورد! حتی یک رأی! هریس به بایدن تحمیل شد و کاملاً مشخص است که تصمیمات مهم این کارزار و دولت بایدن رو افراد دیگری خواهند گرفت»، «با توجه به اینکه جو بایدن از زوال عقل رنج می‌برد، چنانچه جو بایدن انتخابات ریاست جمهوری امریکا را ببرد، در واقع این خانم، رئیس جمهوری امریکا خواهد بود! درک من از ایشون این است که یک آدم فرصت‌طلب، ناصادق و نمایشی است»، «خیلی جالبه که تو امریکا کاملا هریس به عنوان نامزد انتخاباتی، طرفدار نداشت، الان ولی انتخابش توسط بایدن (مرد سفیدی که انتخاب مردم بوده بین بقیه کاندیداها)، شده باعث کردیت گرفتن جو بایدن. این استفاده ابزاری از زنان و رنگین‌پوست‌ها واقعاً می‌ره روی مخم.»

به نام تاریخ

■ **۲۳ مرداد**
امروز سالروز تولد یکی از بزرگترین کارگردانان سینمای ایران است. علی حاتمی که به او لقب سعدی سینما را داده‌اند و فیلم‌هایش همچنان جذاب است و دوست داشتنی.

■ **تولدها**

علی حاتمی: کارگردانی که با فیلم «مادر» او را بیشتر می‌شناسیم اگر زنده بود امروز ۷۶ ساله می‌شد. علی حاتمی کارش را با نوشتن نمایشنامه‌هایی مانند «ساتن»، «قصه حریر»، «حسن کچل» و «شهر آفتاب و مهتاب» برای تئاتر آغاز کرد. او در کلاس‌های نمایشنامه‌نویسی اداره هنرهای دراماتیک در رشته ادبیات نمایشی تحصیل کرد و نمایش «دیب» اولین نمایشی بود که براساس متنی از خودش روی صحنه تئاتر اجرا کرد. سال ۱۳۴۹ فیلم «حسن کچل» را ساخت و وارد سینما شد و اولین فیلمش با استقبال خوب مردم مواجه شد. پس از آن حاتمی تمرکزش را بر سینما گذاشت و «طوقی» دومین فیلمی بود که ساخت. «بابا شمل»، «قلندر»، «ستارخان»، «سلطان صاحبقران» و «سوته دلان» فیلم‌های دیگری بود که علی حاتمی ساخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سریال «هزاردستان» را آغاز کرد و برای این سریال شهرکی سینمایی ساخت که اکنون به‌نام شهرک سینمایی غزالی مشهور است و لوکیشن بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی بوده است. «حاجی واشنگتن»، «کمال الملک» و فیلم «مادر» که در سال ۶۸ ساخته شد آثار شاخص او پس از سریال «هزاردستان» بودند. علی حاتمی با استفاده از بازیگران شاخصی چون عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی، داوود رشیدی و محمدعلی کشاورز شخصیت‌هایی به یادماندنی در سینمای ایران ساخت و دیالوگ‌های خاص او مهم‌ترین ویژگی آثارش بودند. قصد داشت فیلمی درباره جهان پهلوان تختی بسازد اما بیماری سرطان به او مهلت نداد و بهروز افخمی پس از مرگ علی حاتمی در سال ۱۳۷۵ این فیلم را ساخت. در صفحه فرهنگی امروز درباره او می‌خوانیم.

آلفرد هیچکاک: کارگردان بریتانیایی هالیوود که با ساخت فیلم‌های دلهره آور و روانشناسانه شهرت پیدا کرد سال ۱۸۹۹ در چنین روزی به دنیا آمد. او از سال ۱۹۱۵ کارش را در سینما آغاز کرد البته به‌عنوان طراح تیتراژ فیلم. مدتی بعد و تحت تأثیر سبک فیلمسازی در آلمان کارگردانی را در انگلستان آغاز کرد و «شماره ۱۳»، «همیشه به همسر خود بگویید» و «مستأجر» اولین فیلم‌های او بود. او که کار در سینما را با سینمای صامت آغاز کرده بود از سال ۱۹۳۹ وارد هالیوود شد و فیلم‌های «ربه کا»، «قایق نجات» و «روانی» او درخشیدند. دهه ۵۰ میلادی اوج فعالیت و شهرت هیچکاک بود. با فیلم‌های «مردی که زیاد می‌دانست»، «پنجره پشتی»، «سرگیجه» و «شمال از شمال غربی». فیلم‌هایی که او را به‌عنوان استاد بزرگ سینمای جهان معرفی کردند و همچنان ۴ فیلم «سرگیجه»، «روانی»، «شمال از شمال غربی» و «پنجره پشتی» در فهرست ۱۰۰ فیلم برتر ۱۰۰ سال اخیر سینمای امریکا قرار دارند. او سال ۱۹۸۰ درگذشت.

● سالروز تولد **ویم وندرس** کارگردان آلمانی، **علی پژوهشگر** نوازنده عود، **جیمز هورنر** آهنگساز امریکایی، **محمدامیر یاراحمدی** نویسنده، **عباس شادروان** مترجم و **عبدالرضا سواعدی** کارگردان هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

محمد عبادی: صدای دوست داشتنی عبادی که با تیپ «بوشوگ» در «لوک خوش شانس» او را به یاد دارید دو سال پیش در چنین روزی خاموش شد. محمد عبادی متولد ۱۳۲۶ بود و از ۲۵ سالگی دوبله را به‌صورت حرفه‌ای آغاز کرد هرچند که همزمان در فیلم‌هایی چون «بت شکن» و سریال‌هایی مانند «تلخ و شیرین» هم بازی کرده بود. توانایی او در ساخت تیپ‌های مختلف باعث شد که صدایش همچنان ماندگار باشد و نقش اوکلند در سریال «ناوارو»، داروغه ناتینگهام «رابین هود» و تسوکه در «سفرهای میتی کومان» از به یادماندنی‌ترین کارهای او هستند. عبادی به‌عنوان تأثیرگذارترین صدا شناخته شد و مقام اول گویندگی را کسب کرد.

ناصر فرهنگ‌فر: نوازنده برجسته تنبک سال ۱۳۷۶ در چنین روزی درگذشت. او متولد ۱۳۲۶ بود و از کودکی به موسیقی علاقه نشان داد و نواختن تنبک را آموخت. از استادانی مانند حسین تهرانی، محمد اسماعیلی، عبدالله دوامی و علی اکبر کاوه. فرهنگ فر با توانایی‌اش در نواختن تنبک جایگاه ویژه‌ای به این ساز در ارکستر موسیقی سنتی ایران داد و سازش را در آلبوم‌هایی مانند «بیداد»، «آستان جانان» و «راست پنجگاه» با صدای محمدرضا شجریان شنیده‌اید. او همراه گروه‌های شیدا و عارف کنسرت‌هایی در ایران و جهان اجرا کرد و با قریحه‌ای که در شاعری داشت تصنیف‌هایی چون «صورتگر چین» و «پیر می‌فروش» را نوشت که «صورتگر چین» را با صدای محمدرضا شجریان به یاد دارید.

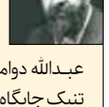

ابراهیم آبادی: بازیگر شیرین سینما و تلویزیون ایران سال ۱۳۱۳ به دنیا آمد. ابراهیم آبادی در دوران دبیرستان به تئاتر علاقه‌مند شد و در هنرستان هنرپیشگی بازیگری را یاد گرفت. پس از آن برای ادامه تحصیل به چکسلواکی آن زمان رفت و کارگردانی نمایش و بازیگری خواند. او پس از بازگشت به ایران تئاتر را ادامه داد و در بسیاری از شهرهای ایران کلاس‌ها و گروه‌های تئاتری تشکیل داد. سال ۱۳۶۳ با بازی در فیلم «زائر خلف» وارد سینما شد هرچند که بیشتر او را در سریال‌هایی مانند «مختارنامه»، «شب دهم»، «معصومیت از دست رفته» و «پاورچین» به یاد دارید. او برای بازی در فیلم «آپارتمان شماره ۱۳» نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در جشنواره فیلم فجر بود. ابراهیم آبادی سال ۹۸ درگذشت.

● **حمید متبسم** نوازنده تار و سه تار، **پروانه بهزادی آزاد** شاعر، **سمیرا چراغ پور** شاعر، **لیلا راهدار** داستان نویس، **شهرام عدیلی پور** شاعر و **نیکلاس روگ** کارگردان انگلیسی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت**

برتولت برشت: نمایشنامه نویس مشهور آلمانی سال ۱۹۵۶ در چنین روزی درگذشت. برتولت برشت متولد ۱۸۹۸ بود و از ۱۵ سالگی شعر می‌سرود. شعرهای نمایشی برشت همچنان جزو بهترین آثارش هستند اما او با نمایشنامه‌هایی چون «زندگی گالیله»، «آدم آدم است»، «استثنا و قاعده» و «ننه دلاور و فرزندان او» شناخته می‌شود و او را برجسته‌ترین نمایشنامه نویس تئاتر روایی می‌دانند.

سهراب محمدی از بازماندگان موسیقی کرمانج خراسان شمالی درگذشت.
این خبر را هوشنگ جاوید از پژوهشگران و مدرسان موسیقی کشورمان اعلام کرد و او را یکی از اصلی‌ترین «بخشی‌های کرمانج شمال خراسان» نامید.
محمدی متولد سال ۱۳۱۷ بود و از کودکی آواز و دوتار نوازی را یاد گرفت و در حماسه‌خوانی و منظومه‌خوانی‌های کرمانجی سرشناس شد.
«بخشی» لقبی است که به برخی از نوازندگان دوتار در شمال خراسان و ترکمن‌صحرا داده می‌شود. بخشی‌ها نوازندگان دوتار، آوازخوان، داستان‌گو، سراینده و سازنده ساز دوتار هستند. آنها به نوعی روایت‌گران فرهنگ شفاهی این منطقه از کشورمان بوده که از احترام و جایگاه ویژه‌ای نیز برخوردارند.

عکس نوشت